



## تدوین الگوی ساختاری طلاق عاطفی بر اساس صفات سه‌گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجی‌گری دزدگی زناشویی

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

مرجان صادق‌خانی <sup>id</sup>

سوزان امامی‌پور\* <sup>id</sup>

مالک میرهاشمی <sup>id</sup>

emamipurd@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

فصلنامه علمی پژوهشی  
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰  
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۲ پیاپی ۱۶ | ۴۴۴-۴۷۱  
تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:  
درون متن:

(صادق‌خانی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

صادق‌خانی، مرجان، امامی‌پور، سوزان، و میرهاشمی، مالک. (۱۴۰۲). تدوین الگوی ساختاری طلاق عاطفی بر اساس صفات سه‌گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجی‌گری دزدگی زناشویی. *خانواده‌درمانی کاربردی*. ۴(۲): ۴۴۴-۴۷۱.

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر به منظور مدل‌یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس صفات تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجی‌گری دزدگی زناشویی انجام شد. روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل رده سنی ۲۵-۵۰ سال دانشگاه آزاد تهران واحدهای یادگار امام (ره)، ابوالفتوح رازی (مادران) و تهران شمال در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند که از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس به صورت آنلاین (بدلیل شیوع ویروس کرونا) انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه‌های طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴)، مثلث تاریک شخصیت جانسون و وبستر (۲۰۱۰)، سبک‌های حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) و دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) بود. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS<sup>26</sup> و AMOS<sup>24</sup> صورت گرفت. یافته‌ها: نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد مدل مفروض پژوهش با داده‌های تجربی برازش دارد (RMSEA=۰/۰۶۳). بین صفت ماکیاولی ( $\beta=۰/۱۴۹$ )، سبک سازنده ( $\beta=-۰/۴۴۱$ ) و سبک غیرسازنده ( $\beta=۰/۲۶۴$ ) با طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده شد. ضریب مسیر غیرمستقیم دزدگی زناشویی در ارتباط بین صفت خودشیفته ( $P=۰/۰۰۷$ ) و سبک‌های سازنده حل تعارض ( $P=۰/۰۴۳$ ) با متغیر وابسته طلاق عاطفی معنادار بود اما نقش میانجی دزدگی زناشویی در ارتباط بین سبک‌های غیر سازنده با طلاق عاطفی تأیید نشد ( $P=۰/۵۳۶$ ). نتیجه‌گیری: صفات تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض سازنده علاوه بر اثر مستقیم بر طلاق عاطفی می‌توانند با اثرگذاری بر دزدگی زناشویی به طور غیر مستقیم بر آن تأثیرگذار باشند.

**کلیدواژه‌ها:** دزدگی زناشویی، سبک‌های حل تعارض، صفات تاریک شخصیت، طلاق عاطفی.

## مقدمه

با وجود اینکه بسیاری از ازدواج‌ها بر پایه ی عشق، علاقه، توافق و محبت زوجین صورت می‌گیرد (عیسی-نژاد و همکاران، ۲۰۲۱)؛ اما بنا بر دلایل متعددی در دنیای امروز، زوجین جهت برقراری و حفظ یک رابطه صمیمانه مبتنی بر علاقه ضعف دارند و با وجود همه تلاشی که در اوایل ازدواج برای حفظ و کیان خانواده و انجام وظایف زناشویی در مقابل یکدیگر دارند، به مرور عشق و علاقه بین آنها کمرنگ و گاهی به مرور زمان در نتیجه بی‌توجهی کاملاً محو و ناپدید می‌شود و منجر به از بین رفتن کانون خانواده می‌گردد (فالس، ۲۰۲۰). طلاق<sup>۱</sup> یکی از مهمترین عواملی است که در مسیر زندگی اخلاص ایجاد می‌کند (ون گاسی و مرتلمتز، ۲۰۲۰). به طوری که طلاق و جدایی اثرات منفی زیادی هم از جنبه روانی و هم از جنبه جسمانی بر زوجین به جا می‌گذارد (کانتر، پرولکس و مونک، ۲۰۱۹). گاهی زوجین بدون هیچ‌گونه احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم، به طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می‌دهند (آنان و بولوس، ۲۰۱۹). این دسته از زوجین به دلیل ساختار فرهنگی جامعه، تاکید اسلام بر قبح طلاق و پیامدهای طلاق به‌خصوص با وجود فرزندان، حاضر به جدایی نیستند و برای سال‌های زیادی به زندگی سرد و توأم با فرسایش روانی و حتی جسمی ادامه می‌دهند، در این موارد طلاق عاطفی اتفاق می‌افتد (اکبری، عظیمی، طالبی و فهیمی، ۱۳۹۵).

طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود؛ ولی، خانواده از درون تهی است. این پدیده زوایای پنهانی دارد که شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است (رضوانی و صامی، ۱۳۹۸). از نظر کلر و آلماند (۲۰۲۰) در این موقعیت همسران بدون داشتن هیچ نوع عاطفه و هیجانی به زندگی سرد ادامه می‌دهند و مسیر زندگی زناشویی را بطور کامل مستقل و جدای از همسر سپری می‌کنند (نقل از مقیمی، شریفی، لطیفی و احمدی، ۱۴۰۲). در این میان گرچه عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش بسزایی در زندگی زناشویی دارند، مطالعات نشان می‌دهند که صفات شخصیت نقش کلیدی در ثبات زندگی زناشویی دارند (هی و همکاران، ۲۰۱۸). به تازگی پژوهش‌های روان‌شناختی توجه خود را به سازه شخصیت تاریک در مطالعات روان‌شناختی جلب کرده‌اند (کایزر، لبرتون و هوگان، ۲۰۱۵). اصطلاح سه‌گانه تاریک یا مثلث تاریک را برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ دو محقق به نام‌های پالهاوس و ویلیامز مطرح کردند. آنها در این زمینه سه صفت نارسسیسم<sup>۲</sup>، ماکیاولیسیسم<sup>۳</sup> و سایکوپاتی<sup>۴</sup> را به عنوان صفات تاریک شخصیت مطرح کردند (پالهاوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). این صفات به عنوان تمایل به رفتارهای فریبکارانه (ماکیاول‌گرایی)، احساس محق بودن (خودشیفتگی) و تکانشی بودن (سایکوپاتی) تعریف شده‌اند (ومیک، فلتز و کینگ، ۲۰۱۹). هر سه این صفات مبتنی بر سردی عاطفی هستند (پن، ژانگ، تئو و لیم، ۲۰۱۸). ماکیاول‌گرایی به عنوان یک صفت شخصیت با نگرش‌های بی‌اعتمادی، جاه‌طلبی، دورویی و دروغ‌گویی مشخص می‌شود (بشرپور، ۱۳۹۴). ماکیاول‌گراها بدبین هستند؛ آنان بدون توجه به اخلاق، اغلب به دنبال ارضای نیازهایشان با سوءاستفاده از دیگران هستند (فاکس و رونی، ۲۰۱۵). ضدا اجتماعی (سایکوپاتی)

1. Divorce
2. Narcissism
3. Machiavellianism
4. Psychopathy

بعدی از شخصیت با محوریت قساوت و عدم هیجان یا پشیمانی است و با سبک بین فردی خصومت آمیز (تحقیر، انتقام و اعمال متقابل تکبر) مشخص می‌شود (اسموکر و مارچ، ۲۰۱۷). خودشیفتگی شامل یک الگوی درازمدت از رفتارهای غیرعادی است که با احساسات اغراق آمیز از اهمیت خود، نیاز بیش از حد به تحسین و عدم درک احساسات دیگران همراه است (جورج و شورت، ۲۰۱۸).

براساس شواهد نظری و تجربی می‌توان استنباط کرد که ویژگی‌های شخصیتی با مجموعه‌ای از رفتارهای غیراخلاقی در ارتباط هستند که می‌تواند بر روابط سازنده زوجین موثر باشند. یو، دی، جیانگ - منگ و یو-چن (۲۰۲۰) نشان دادند که ماکیاول‌گرایی و سایکوپاتی درجه بندی شده به وسیله شریک زندگی بیشترین تأثیر را بر بی‌ثباتی زندگی زناشویی به واسطه اثر بر کیفیت زندگی زناشویی دارد. کارتن و ایگان (۲۰۱۷) نشان دادند که سازگاری پایین و سایکوپاتی قوی‌ترین ارتباط و اغلب رابطه قابل پیش بینی با سواستفاده روانی و سواستفاده فیزیکی و جنسی را دارا می‌باشد. اویزال (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داد هر سه جنبه تاریک شخصیت با صمیمیت جنسی و صمیمیت زناشویی رابطه معکوس و معنادار دارد. تحقیقی که توسط اینانسی، لانگ و برکزکی (۲۰۱۶) انجام شد نشان داد که ماکیاول‌گرایی با گرمی، صمیمیت، سازگاری و وفاداری در روابط عاشقانه همبستگی منفی دارد. لاونر، لامکین، میلر، کمپیل و کارنی (۲۰۱۶) نشان دادند که خودشیفتگی باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. هوران، گاین و بنگه‌هات (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که صفات تاریک شخصیت با تحقیر، انتقاد و عدم همکاری در زوجین مرتبط است.

نتایج پژوهش بشریور، فریور و عبادی (۱۳۹۹) نیز نشان داد که صفات تاریک شخصیت اثر مثبت و معناداری بر طلاق عاطفی دارند. رشیدی، منیریور و دوکانه‌ای فرد نیز (۱۴۰۰) در پژوهشی دریافتند که مولفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک‌های دلبستگی با طلاق عاطفی رابطه معنادار دارند. نتایج پژوهش حق نسب و پورفرخ (۱۳۹۹) نشان داد که بین ابعاد مثلث تاریک شخصیت با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. یزدان بخش، کریمی، مولایی و بهرام زاده (۱۳۹۱) نشان دادند که بین شخصیت خودشیفته و رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یکی دیگر از مهمترین عوامل مؤثر در رخداد طلاق عاطفی را تعارض و اختلافات میان زوجین عنوان می‌کنند (براوو و لامپکین، ۲۰۱۰). تعارض بخش اجتناب ناپذیر هستی انسان است. زمانی که تعارض روی می‌دهد، روابط ضعیف‌تر یا قوی‌تر می‌شوند، بنابراین تعارض، نقطه‌ای بحرانی در مسیر برقراری روابط می‌باشد. اگر تعارض به صورت مفید مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند عاملی پر بار در جهت درک عمیق‌تر روابط متقابل و نزدیک، ثمربخش شود. بنابراین سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد درگیر، زیاد وابسته نیست بلکه، به چگونگی توزیع نحوه حل تعارض بستگی دارد (کارایماک اوزلم و همکاران، ۲۰۰۸). فرامرزی، جعفری نیا و پاسالارزاده (۱۳۹۹) عنوان می‌کنند که بروز تعارضات در روابط بین زوجین یکی از چالش‌های اصلی به شمار می‌رود و به معنای عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری میان افراد در اثر منافع ناهمسود، اختلاف اهداف و ادراکات مختلف است (به نقل از قبادی و گودرزی، ۱۴۰۲). مهارت‌های حل تعارض یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه موفق می‌باشند و افرادی که دارای مهارت-های قوی حل تعارض هستند طول رابطه خود را افزایش می‌دهند (ویسکرچ و دلوی، ۲۰۱۳). پژوهش

ویس (۲۰۱۴)، مورارا و ترلک (۲۰۱۲)، دیلدار، سیتوات و یاسین (۲۰۱۳)، چنگ (۲۰۱۰)، به نقش تاثیرگذار آموزش حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر پرداخته‌اند و تاکید می‌کنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارضات زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر مفید است. همه همسران ممکن است گاهی از این سبک‌ها استفاده کنند، اما اگر یکی از این موارد تبدیل به یک شیوه معمول برای واکنش به اختلاف‌هایشان شود، احتمال حل سازنده تعارض‌ها را کاهش می‌دهد و به زندگی زناشویی آسیب زده و اثرات زیانباری بر زندگی فیزیکی و هیجانی بر جای می‌گذارد (شیوندی، سلم آبادی و فرشاد، ۱۳۹۵). وجود مشکلات و تعارض حل نشده اغلب باعث می‌شود تقابل منفی روی دهد. بدون شک تعارض، مانعی بر سر راه تداوم رابطه خواهد بود (جلیل باباپور، نظری، رشیدزاده، ۱۳۹۰). گرچه تعارض معمولاً به شکل منفی در نظر گرفته می‌شود اما می‌تواند به طور مثبت هم به کیفیت روابط و هم به رشد شخصی کمک کند و این زمانی است که بتوان با شیوه‌های صحیح و کارآمدی به حل تعارض پرداخت (بولتون، ترجمه سهرابی، ۱۳۸۱). توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده‌ای می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوجها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند (پناهی و همکاران، ۲۰۱۷؛ ساموهانو، ۲۰۱۳). بنابراین زوجینی که توانایی حل تعارض بالایی دارند سردی رابطه و طلاق عاطفی را کمتر تجربه می‌کنند. به طور کلی تعارض به دو نوع سازنده و غیر سازنده تقسیم می‌شود. تعارض سازنده بر مصالحه و راه حل‌های مناسب و مثبت و تعارض غیر سازنده بر تهدید و راه حل‌های استبدادی و نامناسب استوار است (جلیل باباپور، ۱۳۸۵). شیوه‌های حل تعارض رفتارهایی است که شخص به هنگام مواجه شدن با یک موقعیت تعارض، از خود نشان می‌دهد تا بتواند بر آن موقعیت غلبه کند. این شیوه‌ها عبارتند از شیوه‌های اجتنابی<sup>۱</sup>، یکپارچگی<sup>۲</sup>، مصالحه گرانه<sup>۳</sup>، سلطه گرانه<sup>۴</sup> و ملزم شده<sup>۵</sup> هستند. شیوه‌ی اجتنابی، با موقعیت‌های انزوا، اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن در ارتباط است. شیوه‌ی یکپارچگی بیانگر تلاش برای کاهش اختلاف‌ها است و برای برآورده کردن انتظارات و مسائل دیگران بر تشابهات تأکید می‌کند. شیوه‌ی مصالحه گرانه در نقطه‌ی میانی توجه به انتظارات و نیازهای خود و دیگران قرار دارد و به تقسیم امتیازها بین طرفین اشاره می‌کند. به عنوان مثال پژوهش حسینی نسب نشان می‌دهد که سبک همراهانه و مصالحه گرانه حل تعارض با سازگاری زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸). شیوه‌ی سلطه گرانه با جهت‌گیری تهدید آمیز مشخص می‌شود. در شیوه ملزم شده بر تبادل اطلاعات و بررسی اختلاف‌ها برای رسیدن به راه حل قابل قبول برای طرفین تأکید می‌شود. این شیوه با حل مسئله در ارتباط است و می‌تواند به راه حل خلاقانه در حل مسئله منجر شود (سورنسون، ۱۹۹۹). پژوهش دیباجی فروشانی، امامی پور و محمودی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد بزرگسالانی که راهبردهای حل تعارضات سازنده‌تری دارند، رضایت زناشویی آن‌ها بادوام‌تر است. از بررسی پژوهش‌های مربوط به رفتارهای حل تعارض بر می‌آید که یافته‌های پیوسته‌ای هست مبنی بر اینکه وقتی یک یا هر دو همسر، رفتارهای سبک

1. Avoidance methods
2. Integration methods
3. Compromising methods
4. Dominant methods
5. Required methods

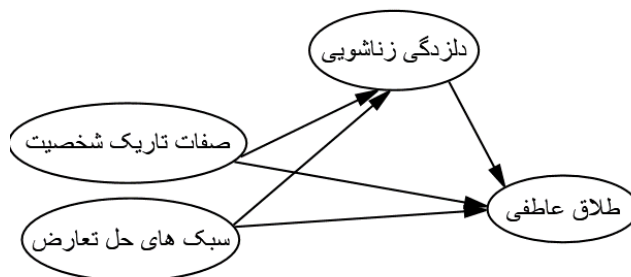
تنظیم نشده یا خصمانه نشان می‌دهند، رضایت و کیفیت زناشویی در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد؛ با این حال سوالی که در پژوهش‌های پیشین بی‌پاسخ مانده این است که ترکیب کدام سبک‌های حل تعارض<sup>۱</sup> در واحد زناشویی به پیامدهای مثبت و ترکیب کدام سبک‌ها به پیامدهای منفی می‌انجامد. نکته قابل اشاره درباره پژوهش‌های حوزه سبک‌های حل تعارضات زناشویی این است که در اغلب این پژوهش‌ها زوج به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است در حالی که باسبی و هولمن (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند که رفتار و الگوی حل تعارض در سطح فردی نیز قابل مطالعه است. آنها معتقدند اگر چه افراد ممکن است در موقعیت‌های مختلف تعارض آمیز پاسخ‌های مختلفی نشان دهند، ولی هر شخصی یک سبک غالب رویارویی با تعارض دارد که قابل مشاهده و مطالعه است. بنابراین راهبردهای حل تعارض می‌تواند به عنوان یکی از متغیرهای مرتبط با طلاق عاطفی تأمل برانگیز باشد.

در نهایت براساس میانی نظری و تجربی یکی از عوامل زمینه ساز طلاق عاطفی، دلزدگی زناشویی<sup>۲</sup> است. این حالت ناشی از عدم تناسب میان انتظارات و واقعیات است و میزان آن به میزان سازگاری زوجین و باورهایشان بستگی دارد. بنابراین در تعریف دلزدگی می‌توان گفت یک حالت خستگی و از پافتادن جسمی و عاطفی و روانی است؛ از پافتادن جسمی و فرسودگی بدنی ناشی از دلزدگی به صورت خستگی مزمن بروز می‌کند که با خواب رفع نمی‌شود. در خصوص از پافتادن عاطفی مبتلایان به دلزدگی همیشه در این تصور غوطه ور هستند که از نظر عاطفی نابود شده‌اند و مدام آزرده و دلسرند. از پافتادن عاطفی ناشی از دلزدگی معمولاً به صورت کاهش خودباوری و منفی‌نگری نسبت به روابط، بخصوص رابطه با همسر رخ می‌دهد. این پدیده با فروپاشی رابطه و رشد آگاهی و توجه به چیزهایی که به اندازه گذشته خوشایند نیستند، شروع می‌شود و اگر در این مرحله کاری برای جلوگیری از پیشرفت این روند صورت نگیرد، همه چیز از مرحله بد به بدتر می‌رسد (پاینز، ۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). در واقع انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی، سبب فرسایش شده و منجر به دلزدگی می‌شود. به تعبیری دلزدگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی به یکدیگر و با جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه است (نادری و آزاد منش، ۱۳۹۱). در پژوهشی که توسط قوامی، محمدی فاضل، علیاری و بیرق‌دار (۱۴۰۲) انجام شد نتایج نشان داد که دلزدگی زناشویی و نارضایتی جنسی در پیش‌بینی طلاق عاطفی نقش دارند. با توجه نقش صفات شخصیت در ثبات زندگی مشترک از یک سو و نقش سبک‌های حل تعارض در این زمینه از سوی دیگر همچنین نقش خاصی که دلزدگی زناشویی می‌تواند در ارتباط بین این متغیرها از لحاظ نظری داشته باشد و نظر به اینکه در ادبیات پژوهش در خصوص رابطه این متغیرها با طلاق عاطفی به شکل مدل‌یابی یک خلاء پژوهشی مشاهده شد، پژوهش حاضر با طرح مدل مفهومی زیر درصدد بررسی این سوال است:

۱. آیا الگوی ساختاری طلاق عاطفی بر اساس سه گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجی دلزدگی زناشویی و تعارضات زناشویی از برآزش برخوردار است؟

1. Conflict management method

2. Marital burnout



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف جزء تحقیقات بنیادی و از نظر روش اجرا جزء پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که در قالب معادلات ساختاری انجام شد. همچنین تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات کمی و از نظر زمان اجرا از نوع تحقیقات مقطعی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان زن متأهل رده سنی ۲۵ تا ۵۰ مشغول به تحصیل در سال ۱۴۰۰ دانشگاه آزاد استان تهران با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر بودند. با توجه به قاعده استیونس (۲۰۱۲) و محققان حوزه معادلات ساختاری که پیشنهاد می‌کند به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده یا نشانگر حداقل ۱۵ الی ۲۰ مورد انتخاب شود و با توجه به این که در مدل ارایه شده ۱۲ متغیر اندازه‌گیری وجود دارد، و با توجه به ریزش بعضی از پرسشنامه‌ها حجم نمونه ۲۵۰ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود. بدین صورت که پس از اعلام تمایل به همکاری جمعا ۴۶۳ پرسشنامه بصورت پرس لاین جمع‌آوری شد از این تعداد، پرسشنامه‌هایی که شرایط احراز حداقل نمره ۸ از پرسشنامه طلاق عاطفی را کسب کردند، وارد پروسه تحقیق شدند و پس از بررسی با توجه به ریزش برخی از پرسشنامه‌ها در نهایت داده‌های ۲۳۹ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود شامل ۱. دانشجوی زن متأهل در دانشگاه‌های آزاد تهران ۲. ساکن تهران بودن ۳. رده سنی ۲۵ الی ۵۰ سال ۴. کسب نمره بالای ۸ در پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن. ملاک‌های خروج هم تکمیل ناقص پرسشنامه بود.

### ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه طلاق عاطفی و تنهایی گاتمن. مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴) یک مقیاس ۲۴ سوالی است که شرکت کنندگان با انتخاب گزینه‌های بله یا خیر به آن پاسخ می‌دهند. گویه‌های این پرسشنامه غالباً احساسات فرد در مورد رابطه زناشویی و میزان صمیمیت وی با همسر خود را می‌سنجد. در این مقیاس به پاسخ‌های خیر امتیاز صفر داده می‌شود و به پاسخ‌های بله امتیاز یک داده می‌شود و در نهایت هر چه نمره افراد بالاتر باشد، نشانه میزان بیشتر طلاق عاطفی در رابطه زناشویی است. نقطه برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد و توصیه می‌شود که در صدد کمک حرفه‌ای باشد. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده است (نریمانی، رحیمی و صداقت، ۱۴۰۰). در ایران نیز در پژوهش ثمری و نخعی (۲۰۱۸) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۴ گزارش کردند. همچنین در پژوهش

خسروی، مرادی، احمدیان و یوسفی (۱۳۹۸) آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی این پرسشنامه ۰/۷۹ گزارش شده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۰ بدست آمد.

**۲. پرسشنامه صفات تاریک سه گانه شخصیت.** پرسشنامه مثلث تاریک شخصیت توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰) به منظور تهیه یک نسخه کوتاه برای سنجش صفات تاریک شخصیت ساخته شده و دارای ۱۲ گویه است. این پرسشنامه شامل سه زیر مولفه: خودشیفتگی (۴ گویه)، ماکیاولی (۴ گویه) و ضد اجتماعی (۴ گویه) است. این پرسشنامه روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای اندازه‌گیری میشود (۱= کاملاً مخالفم، ۵= کاملاً موافقم) گویه شماره ۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. حاصل جمع نمرات هر خرده مقیاس، بیانگر نمره شخص در آن صفت شخصیت است. جانسون و وبستر خصوصیت‌های روان-سنجی این پرسشنامه شامل، اعتبار افتراقی، همزمان سازه و آزمون - باز آزمون را در چهار مطالعه مورد آزمون قرار دادند که میزان آلفای کرونباخ ماکیاولی از: ۰/۷۷ - ۰/۷۲، ضداجتماعی از ۰/۶۹ - ۰/۶۶، خودشیفتگی از ۰/۸۵ - ۰/۷۸ گزارش کردند. قمرانی، صمدی، تقی نژاد و شمسی (۱۳۹۴) در پژوهش خود ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس ماکیاولیستی، ضد اجتماعی و خودشیفتگی و نمره کل به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۴۰، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ گزارش کردند. اعتبار بازآزمایی برای نمره کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن در دامنه (۰/۷۶ تا ۰/۸۷) گزارش شده است. بشرپور و فهیمی سال (۱۳۹۴) روایی صوری و سازه را تایید کردند. اعتبار کل ابزار و صفات تاریک خودشیفته، جامعه ستیز و ماکیاولیسم را با روش بازآزمایی به ترتیب (۰/۸۹، ۰/۸۷، ۰/۷۶ و ۰/۸۶) و ضریب آلفای کرونباخ کل و خرده مقیاس‌ها را در دامنه ۰/۸۷ تا ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی پرسشنامه در این پژوهش ۰/۷۸ بدست آمد.

**۳. سبک‌های حل تعارض.** پرسشنامه سبک‌های حل تعارض توسط رحیم (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد. در این پرسشنامه ۵ سبک حل تعارض شناسایی شده که عبارتند از: سبک یکپارچگی (۷ عبارت)، سبک مسلط (۶ عبارت)، سبک ملزم شده (۵ عبارت)، سبک مصالحه (۶ عبارت) و سبک اجتناب کننده (۴ عبارت). ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. رحیم (۱۹۸۳) در یک مطالعه جامع با استفاده از بازآزمایی و همسانی درونی برای پنج خرده مقیاس این پرسشنامه، پایایی رضایت‌بخش گزارش نمود. در مطالعه دیگری که توسط رحیم و مگنر (۱۹۹۴) صورت گرفت همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۷۷ گزارش شد. رحیم و مگنر (۱۹۹۵) در پژوهشی بر روی یک نمونه ۱۴۷۴ نفری به بررسی ساختار عاملی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی، ۵ عامل اصلی این مدل را مورد تایید قرار داد. و همچنین نتایج نشان داد که این ابزار از روایی همگرا و افتراقی مطلوبی برخوردار است. همسانی درونی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۸۵ گزارش شد. هن‌اینگ (۲۰۰۳) در پژوهشی به ارزیابی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض (CRQ)<sup>۱</sup>

پرداخت. در این پژوهش برای بررسی اعتبار ملاکی<sup>۱</sup> (به شیوه روایی همزمان) پرسشنامه (CRQ)، از پرسشنامه ROCI-II استفاده شد که روایی ملاکی آن مورد تأیید قرار گرفت. بررسی همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۷ برای ROCI-II نشان داد. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی پرسشنامه در این پژوهش برای سبک یکپارچگی (۰/۷۶)، سبک مسلط (۰/۷۰)، سبک ملزم شده (۰/۷۱)، سبک اجتناب کننده (۰/۵۰)، و سبک مصالحه (۰/۵۳) حاصل شد.

**۴. پرسشنامه دلزدگی زناشویی.** مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (CBM) یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجها طراحی گردیده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳). این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم نسبت به همسر) می‌باشد. تمام این موارد روی یک مقیاس ۷ امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرفی عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد است. حداقل نمره‌ای که آزمودنی از این آزمون کسب می‌کند ۲۱ و حداکثر نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند کسب کند ۱۴۷ می‌باشد. ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دلزدگی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است. نسخه‌های ترجمه شده CBM به طور موفقیت آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده شده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳). ضریب اطمینان آزمون - باز آزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۹ برای یک دوره دو ماهه ۰/۶۶ و برای دوره ۴ ماهه بود، تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود. پایایی این پرسشنامه در این پژوهش برابر ۰/۹۳ بود.

**شیوه اجرا.** روش اجرای پژوهش بدین شکل بود که به دلیل شیوع کرونا و عدم امکان دسترسی به نمونه‌ها به صورت حضوری، پرسشنامه‌ها به صورت پرس لاین طراحی شد. سپس لینک پرسشنامه‌ها در کانال دانشجویان دانشگاه واحدهای یادگار امام (ره)، ابوالفتوح و تهران شمال قرار داده شد و از دانشجویان واجد شرایط تحقیق (زنان متأهل رده سنی ۵۰-۲۵ سال) درخواست شد که آن را تکمیل کنند. پرسشنامه‌ها کاملاً بی نام بود و به آزمودنی‌ها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات آنها محرمانه باقی خواهد ماند. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی، شاخص‌های کجی و کشیدگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار SPSS<sup>26</sup> و AMOS<sup>24</sup> استفاده شد. برای بررسی میزان برازش داده‌های جمع‌آوری شده با مدل مفروض پژوهش از شاخص‌های از شاخص مجذور کا ( $\chi^2$ )، شاخص نسبت مجذور کا بر بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص نکویی تطبیقی (CFI)، شاخص نکویی برازش (GFI)، شاخص نکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازش افزایشی (شاخص برازش افزایشی (IFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌های آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.



## یافته‌ها

حجم نمونه نهایی تحقیق حاضر پس از حذف موارد مخدوش شامل ۲۳۹ نفر بود. با توجه به اینکه داده‌ها به شکل اینترنتی جمع آوری شده بودند، تعداد داده گم شده کمتر از نیم درصد از کل داده‌ها را شامل می‌شد. میانگین سنی شرکت‌کنندگان تحقیق حاضر برابر ۳۶/۳۹ سال با انحراف معیار ۱۰/۲۲ بود. حداقل سن برابر ۲۵ و حداکثر سن نیز ۵۰ سال گزارش شده است. در جدول زیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش همراه با میزان ارتباط آنها با یکدیگر از طریق ضریب همبستگی پیرسون ارائه شده است:

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش (N=۲۳۹)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
(۱) صفات تاریک	۲۷/۳۰۶	۶/۶۸۸	۱				
(۲) سبک سازنده	۴۷/۱۳	۶/۱۴	۰/۰۳۴	۱			
(۳) سبک غیرسازنده	۵۰/۴۰	۵/۸۲	-۰/۰۸۱	۰/۲۰۴**	۱		
(۴) دلزدگی زناشویی	۷۸/۴۲۹	۲۰/۳۲۳	۰/۳۶۳**	۰/۰۰۴	-۰/۱۶۳*	۱	
(۵) طلاق عاطفی	۱۲/۷۰۳	۴/۸۷۵	۰/۲۱۶**	۰/۱۴۱*	-۰/۴۰۱**	۰/۴۹۵**	۱

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمره کل طلاق عاطفی برابر با ۱۲/۷۰ با انحراف معیار ۴/۸۷ است. در مورد سبک‌های حل تعارض، میانگین سبک سازنده (۴۷/۱۳) و سبک حل تعارض غیرسازنده (۵۰/۴۰) است. میانگین کل صفات شخصیت برابر ۲۷/۳۰ با انحراف معیار ۶/۶۸ است. مطابق داده‌های جدول فوق میانگین دلزدگی زناشویی نمونه تحقیق برابر ۷۸/۴۲ و میزان پراکندگی متغیر با توجه به مقدار انحراف معیار آن برابر ۲۰/۳۲ است. براساس ضرایب همبستگی گزارش شده در جدول ۱ همه متغیرهای مستقل (صفات تاریک شخصیت و سبک‌های سازنده و غیرسازنده تعارض) و میانجی (دلزدگی زناشویی) با متغیر وابسته اصلی یعنی طلاق عاطفی ضریب همبستگی معناداری در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ دارند. بطوری که سبک سازنده تعارض با طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار اما سبک‌های غیرسازنده، صفات تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری با طلاق عاطفی دارند. در جدول ۲ شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرها و مقدار ضریب تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) متغیرهای پیش بین را نشان می‌دهد:

جدول ۲. بررسی مفروضه‌های نرمال بودن تک‌متغیری و همخطی بودن

متغیر	شاخص کجی	شاخص کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
صفات تاریک شخصیت - ماکیاولیستی	۰/۸۵۵	۰/۲۷۵	۰/۷۳۷	۱/۳۵۷
صفات تاریک شخصیت - ضداجتماعی	۰/۴۹۹	۰/۴۳۶	۰/۷۹۴	۱/۲۶

۰/۲۴۹	-۰/۱۴۵	۰/۷۱۵	۱/۳۹۹	صفات تاریک شخصیت - خودشیفته
-۱/۱۱۶	۱/۵۷	۰/۸۲۵	۱/۲۱۲	سبک حل تعارض - سازنده
۰/۱۶۳	۰/۰۳۱	۰/۹۴۹	۱/۰۵۴	سبک حل تعارض - غیرسازنده
۰/۱۲۸	۰/۲۸	۰/۳۱۴	۳/۱۸۵	دلزدگی زناشویی - دلزدگی جسمانی
۰/۴۲۹	۰/۴۷	۰/۲۰۲	۴/۹۶۲	دلزدگی زناشویی - دلزدگی روانی
۰/۴۷۱	۰/۱۸۵	۰/۱۶۹	۵/۹۳۲	دلزدگی زناشویی - دلزدگی عاطفی
۰/۲۰۱	-۱/۱۳۴	-	-	طلاق عاطفی - حس جدایی
-۰/۲۶۲	-۰/۸۴۵	-	-	طلاق عاطفی - حس تنهایی
-۰/۱۲۱	-۰/۶۷۲	-	-	طلاق عاطفی - نیاز به هم صحبت
۰/۲۳۲	-۰/۷۱۴	-	-	طلاق عاطفی - بی حوصلگی

طبق نتایج مندرج در جدول ۲، شاخص‌های کجی و کشیدگی در دامنه بین +۱ تا -۱ قرار دارند این امر نشان می‌دهد که توزیع متغیرها نرمال است. به نظر آمارشناسان اگر شاخص‌های کجی و کشیدگی در محدوده +۲ الی -۲ قرار داشته باشد، نشان دهنده نرمال بودن توزیع نمرات است (میرزا، گامست و گورینو، ۲۰۰۶، ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۸۵). برای بررسی مفروضه نرمال بودن چندمتغیری از شاخص مهلانوبیس<sup>۱</sup> استفاده شد. حداقل و حداکثر این شاخص بین ۰/۱۰۳ تا ۱۸/۲۷ بود و با توجه به اینکه حداکثر مقدار مشاهده شده، کوچکتر از مقدار بحرانی این شاخص با چهار متغیر پیش بین بود (۱۸/۴۷) لذا مفروضه نرمال بودن چندمتغیری مورد تایید قرار گرفت. همچنین جدول ۲ نشان می‌دهد مقدار شاخص ضریب تحمل متغیرهای پیش بین بیشتر از ۰/۱ و مقدار عامل تورم واریانس آنها کمتر از ۱۰ است. این نتایج نشان دهنده برقرار بودن مفروضه وجود همخطی در داده‌ها است.

پس از تایید وجود مفروضه‌ها، جهت پاسخ گویی به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا الگوی ساختاری طلاق عاطفی براساس سه گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجیگری دلزدگی از برآزش مطلوب برخوردار است؟ از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با روش بیشینه درست‌نمایی<sup>۲</sup> استفاده شد. در جدول زیر شاخص‌های برآزش مدل ارائه شده است:

جدول ۳. شاخص‌های برآزندگی مدل پژوهش

شاخص‌های برآزندگی	( $\chi^2$ )	Df	$\chi^2/df$	RMSEA	GFI	AGFI	IFI	CFI
مدل اولیه	۹۲/۵۱	۴۴	۲/۱۰	۰/۰۶۸	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۵۷	۰/۹۵۶
مقدار قابل قبول	نزدیک به صفر	-	زیر ۳	< ۰/۰۸	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰

شاخص‌های برآزندگی مدل پژوهش در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد همه شاخص‌ها در حد قابل قبول قرار گرفتند ( $\chi^2/df=۲/۱۰$ ،  $RMSEA=۰/۰۶۸$ ،  $GFI=۰/۹۴$ ،  $AGFI=۰/۹۰$ ،  $IFI=۰/۹۵۷$ ).

1. Mahalanobis distance (D)

2. maximum likelihood

و سوال اصلی پژوهش مبنی بر این که آیا الگوی ساختاری طلاق عاطفی بر اساس صفات سه گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجیگری دلزدگی از برازش برخوردار است؟، تایید شد. مقدار ضرایب استاندارد مستقیم بین متغیرهای مدل ساختاری و معناداری آنها به صورت تک به تک در جدول ۴ گزارش شده است:

جدول ۴. ضرایب استاندارد و معناداری آنها بین متغیرهای موجود در مدل ساختاری

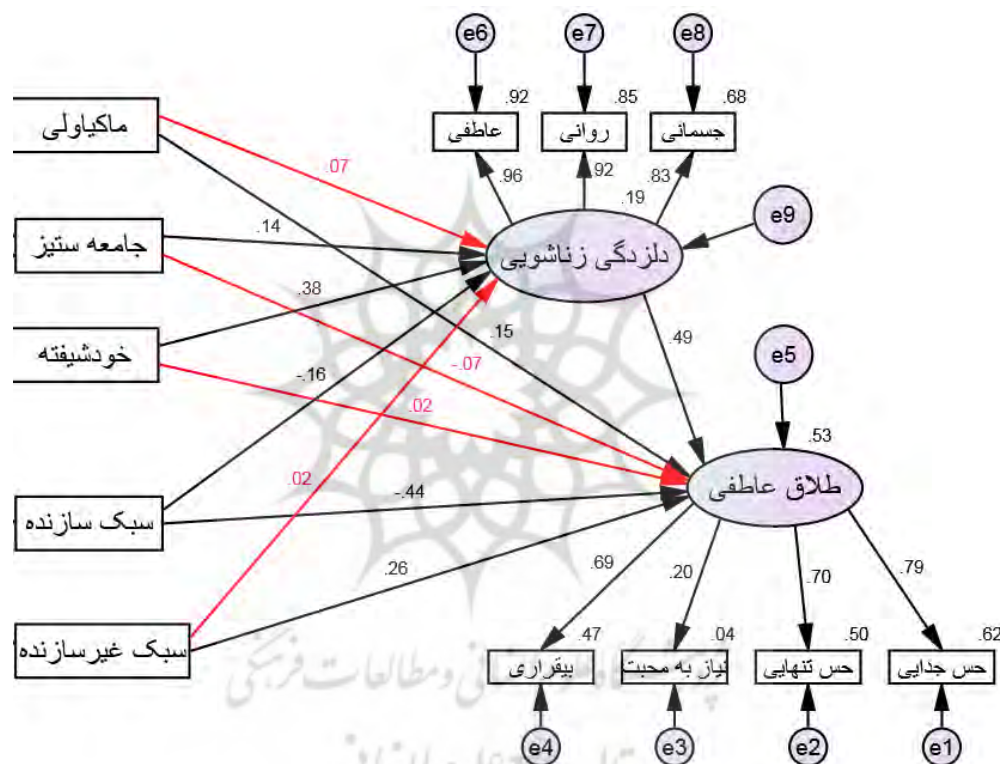
از متغیر	به	متغیر	مقدار برآورد $\beta$	نسبت بحرانی $t$	Sig	نتیجه
ماکیاولی	<---	دلزدگی زناشویی	۰/۰۷۳	۱/۰۴۱	۰/۲۹۸	رد
جامعه ستیز	<---	دلزدگی زناشویی	۰/۱۴۵	۲/۱۹۸	۰/۰۲۸	تایید
خودشیفته	<---	دلزدگی زناشویی	۰/۳۸	۵/۷۲۴	۰/۰۰۱	تایید
سبک سازنده	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۱۶۱	-۲/۶۲۳	۰/۰۰۹	تایید
سبک غیرسازنده	<---	دلزدگی زناشویی	۰/۰۲۱	۰/۳۳۴	۰/۷۳۹	رد
دلزدگی زناشویی	<---	طلاق عاطفی	۰/۴۸۹	۷/۰۱۶	۰/۰۰۱	تایید
ماکیاولی	<---	طلاق عاطفی	-۰/۱۴۹	-۲/۲۴۲	۰/۰۲۵	تایید
جامعه ستیز	<---	طلاق عاطفی	-۰/۰۷۲	-۱/۱۴۳	۰/۲۵۳	رد
خودشیفته	<---	طلاق عاطفی	۰/۰۱۸	۰/۲۶۹	۰/۷۸۸	رد
سبک سازنده	<---	طلاق عاطفی	-۰/۴۴۱	-۷/۰۶۶	۰/۰۰۱	تایید
سبک غیرسازنده	<---	طلاق عاطفی	۰/۲۶۴	۴/۴۵۳	۰/۰۰۱	تایید

طبق نتایج گزارش شده در جدول شماره ۴ بین صفات جامعه ستیز ( $\beta=۰/۱۴۵$ )، خودشیفته ( $\beta=۰/۳۸$ )، سبک سازنده ( $\beta=-۰/۱۶$ ) با دلزدگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. بین صفت ماکیاولی با طلاق عاطفی ( $\beta=۰/۱۴۹$ ) و بین سبک سازنده ( $\beta=-۰/۴۴۱$ ) و سبک غیرسازنده ( $\beta=۰/۲۶۴$ ) با طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده می‌شود. در نهایت بین دلزدگی زناشویی ( $\beta=۰/۴۸۹$ ) با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. برای بررسی نقش میانجی دلزدگی زناشویی در اتباط بین صفات تاریک شخصیت و سبک‌های سازنده و غیرسازنده حل تعارض با طلاق عاطفی ضرایب غیرمستقیم بین این متغیرها با روش بوت‌استرپ (خودگردان سازی) محاسبه شده و معناداری آنها بررسی شد. در جدول ۵ ضرایب استاندارد غیرمستقیم بین متغیرها ارائه شده است. همچنین حدبالا و پایین ضرایب با اطمینان ۹۵ درصدی ارائه شده است:

جدول ۵. ضرایب غیرمستقیم و حدپایین و بالای بین متغیرها

از متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	اثر غیر مستقیم	Sig	حدپایین	حدبالا
خودشیفته	طلاق عاطفی	طلاق عاطفی	۰/۱۸۶	۰/۰۰۵**	۰/۱۰۹	۰/۳۹۷
جامعه ستیز	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی	۰/۰۷۱	۰/۰۷۲	۰/۰۰۹	۰/۱۳۵
ماکیاولی		طلاق عاطفی	-۰/۰۳۶	۰/۵۱۰	۰/۰۹۳	۰/۰۳۱
سبک سازنده		طلاق عاطفی	-۰/۰۷۹	۰/۰۴۵*	-۰/۱۷۲	-۰/۰۱۷
سبک غیرسازنده		طلاق عاطفی	۰/۰۱۰	۰/۸۸۲	-۰/۰۶۸	۰/۰۶۱

بر اساس داده‌های جدول ۵ ضریب غیرمستقیم بین متغیر خودشیفته و سبک سازنده با متغیر وابسته اصلی (طلاق عاطفی) از طریق متغیر میانجی دزدگی زناشویی معنادار است. بنابراین دزدگی زناشویی در ارتباط بین صفت شخصیتی خودشیفته و سبک‌های سازنده حل تعارض با طلاق عاطفی نقش میانجی دارد. اما نقش میانجی دزدگی زناشویی در ارتباط بین صفات جامعه ستیز، ماکیاولی و سبک‌های غیرسازنده با طلاق عاطفی تایید نشد. شکل ۲ مدل ساختاری رابطه صفات تاریک شخصیت، سبک‌های سازنده و غیرسازنده حل تعارض با طلاق عاطفی را از طریق متغیر میانجی دزدگی زناشویی نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل مفروض پژوهش در حالت بتای استاندارد

همانگونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود مجموع مجذور همبستگی چندگانه متغیر وابسته اصلی طلاق عاطفی برابر ۰/۵۳ شده است و این نتیجه نشان می‌دهد حدود ۵۳ درصد از واریانس این متغیر از طریق متغیرهای پیش بین و میانجی تعریف شده در مدل تبیین شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به تدوین الگوی ساختاری طلاق عاطفی بر اساس صفات سه گانه تاریک شخصیت و سبک‌های حل تعارض با میانجی‌گری دزدگی زناشویی در نمونه‌ای از زنان متأهل شهر تهران پرداخته شد. نتایج نشان داد صفت ماکیاولی با طلاق عاطفی رابطه دارد و ضریب غیر مستقیم بین صفت خودشیفته با متغیر

وابسته (طلاق عاطفی) از طریق متغیر میانجی دلزدگی زناشویی معنادار است. این یافته همسو با اغلب پژوهش‌های پیشین است و می‌توان در این زمینه به نتایج پژوهش بشریور، فریور، عبادی (۱۳۹۹) و خسروی و جهانبخش (۱۳۹۸) علوی و همکاران (۲۰۱۸)، لاوئر و همکاران (۲۰۱۶)، اویزال (۲۰۱۶)، اینانسی و همکاران (۲۰۱۶)، هوران و همکاران (۲۰۱۵) و پورمحسنی و همکاران (۱۳۹۸) اشاره کرد. طبق پژوهش یو و همکاران (۲۰۲۰) صفات تاریک بیشترین تأثیر را بر بی‌ثباتی زندگی زناشویی دارد و همچنین نتایج پژوهش هی و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که صفات شخصیت نقش کلیدی در ثبات زندگی زناشویی دارند. و نتایج پژوهش بشریور و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که صفات تاریک شخصیت اثر مثبت و معناداری بر طلاق عاطفی دارند. در راستای تأیید فرضیه و نقش میانجیگری دلزدگی زناشویی در پژوهش‌های متعدد دیگر نیز به رابطه بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی اشاره شده است از جمله پژوهش خسروی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی تأثیر گذار است و نجات دارایی و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که رابطه بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی معنادار است. و همچنین طبق پژوهش پورمحسنی و همکاران (۱۳۹۸) در زنان بین صفات تاریک شخصیت و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. و همچنین خورشیدی و دشت بزرگی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که جنبه‌های تاریک شخصیت شامل خودشیفتگی، جامعه ستیزی و ماکیاولیسم با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشتند.

در تبیین نتایج این فرضیه و با توجه به نقش میانجی دلزدگی زناشویی در ارتباط با طلاق عاطفی و صفات تاریک شخصیت می‌توان با تکیه بر دیدگاه تکاملی نظریه تاریخچه زندگی چهارچوب تحلیلی ارزشمندی برای اثبات صفات تاریک شخصیت بر کیفیت زندگی ارائه می‌کند، به موضوع نگاه کرد. طبق این نظریه، صفات تاریک شخصیت، فرد را به اتخاذ راهبرد تاریخچه زندگی سریع متمایل می‌کند و باعث می‌شود که فرد جهت‌گیری زندگی زناشویی کوتاه مدتی از خود نشان دهد برعکس راهبرد تاریخچه زندگی کند که با جهت‌گیری زندگی زناشویی بلندمدت همراه است، برای افراد دارای سطوح بالای صفات تاریک شخصیت که با همدلی پایین، نارسانی‌های هیجانی، فریب‌کاری و خودمحوری مشخص می‌شوند جذابیت کمتری دارد، بنابراین می‌توان گفت که افراد دارای صفات تاریک شخصیت با داشتن راهبرد تاریخچه زندگی سریع تعهد کمتری به روابط زناشویی بلندمدت داشته و حتی در صورت زندگی مشترک طلاق عاطفی در آنها بیشتر رخ می‌دهد (کولادیچ و اتکینسون، ۲۰۱۶).

کمپل و بامیستر (۲۰۰۶) نیز استدلال کرد شرکای خودشیفته احتمالاً رضایت خود از رابطه را در ابتدا بالا نشان می‌دهند، اما بعدها رضایت کمتری را گزارش می‌کنند، افراد با صفت شخصیتی خودشیفته با همدلی پایین در روابط مشخص می‌شوند و با محوریت قرار دادن خود و توجه کردن به نیازهای خود به تنهایی در همه حیطه‌های زندگی مشترک موجب اختلافات زناشویی می‌شوند و باعث افزایش طلاق عاطفی می‌گردند. افراد مبتلا به خودشیفتگی توانایی محدودی در درک علل هیجانات خود و دیگران دارند. خودشیفتگی با سطوح پایین تعهد و مسئولیت‌پذیری همراه است (فاستر و همکاران، ۲۰۰۶). در بین اختلالات مختلف تعامل با یک فرد خودشیفته مشکلات بیشتری برای افراد ایجاد می‌کند و علیرغم باور فرد خودشیفته درباره قدرتمندی همه جانبه اش، برای تأیید ارزشی که برای خود قائل است، وابسته به

دیگران است و نمی‌تواند بدون مخاطبینی که تحسین و توجه نثارش کنند، زندگی کند (لاونر، لامکین، میلر، کمپل و کارنی، ۲۰۱۶) که این امر می‌تواند دلزدگی زناشویی و به تبع آن افزایش طلاق عاطفی را در پیش داشته باشد.

شفیعی و قمرانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که خودشیفتگی به عنوان یکی از سه مؤلفه تاریک شخصیت بیشترین سهم را در دلزدگی جسمانی دارد و نمره کل شخصیت تاریک بعد از شکفتگی بهترین پیش‌بینی کننده دلزدگی عاطفی است و این امر می‌تواند همچنین طلاق عاطفی را افزایش دهد. این امر در پژوهش حاضر نیز تأیید شد و یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد هرچه خودشیفتگی در زنان بیشتر به همان نسبت دلزدگی زناشویی در آنها بیشتر و به مراتب طلاق عاطفی نیز در آنها بیشتر خواهد بود. پس در نهایت می‌توان اینگونه بیان داشت که رفتارهای اجتماعی نامناسب خودشیفته‌ها مانع بروز پاسخ‌های همدلانه در آنها شده و عدم همدلی، کیفیت روابط بین فردی را در زوجین کاهش داده و در نهایت منجر به دلزدگی زناشویی می‌شود (شفیعی و قمرانی، ۱۳۹۶) و این دلزدگی زناشویی خود می‌تواند عاملی در جهت افزایش طلاق عاطفی در زوجین شود. در انتها در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: ویژگی‌های نامناسب افراد دارای نمرات بالا در ابعاد مثلث تاریک شخصیت منجر به سردی عاطفی و عدم رضایت بین زوجین شده و در نهایت دلزدگی زناشویی را در آنها افزایش خواهد داد (حق‌نسب و پورفرخ، ۱۳۹۹)، که این خود افزایش طلاق عاطفی بین آنها را در پیش دارد. در زمینه رابطه بین سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی نتایج حاصل نشان داد بین سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد همچنین ضریب غیر مستقیم معناداری بین متغیر سبک‌های سازنده حل تعارض با متغیر وابسته (طلاق عاطفی) از طریق متغیر میانجی دلزدگی زناشویی بدست آمد. این نتایج همسو با اغلب پژوهش‌های پیشین می‌باشد و در این راستا می‌توان به پژوهش سموری قاینی (۱۴۰۱)، صفرزاده چماچای (۱۴۰۰)، نکویی (۱۳۹۹)، سوموهانو (۲۰۱۳)، رزاقی الوند (۱۳۹۰)، هانسون و لندبلد (۲۰۰۶)، وینست و همکاران (۲۰۰۶)، آزادی فر (۱۳۹۳) و افخمی پوستچی و علی دوستی (۱۴۰۱) اشاره کرد.

همانطور که ملاحظه شد نتایج بیانگر رابطه معنادار بین سبک‌های سازنده (یکپارچه و ملزم شده) حل تعارض و طلاق عاطفی با میانجیگری دلزدگی زناشویی بود به نحوی که استفاده از این سبک‌ها میزان طلاق عاطفی را کاهش می‌دهد. بولتون، (ترجمه سهرابی، ۱۳۸۱) عنوان می‌کند که زندگی اغلب زوج‌ها به دلیل فقدان مهارت‌های ارتباطی و سبک ارتباطی ناسالم به یک رابطه موازی و بدون صمیمیت تبدیل شده است. ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که تعارض‌های زناشویی مدل ارتباطی زوجین را به شکل غیرسازنده تبدیل کرده و منجر به دلزدگی زناشویی می‌شوند. کریمی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به ارتباط سبک‌های حل تعارض و دلزدگی زناشویی دست یافتند. یافته‌های پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین رضایت زناشویی و سبک‌های حل تعارض یکپارچه و مصالحه، همبستگی مستقیم و بین رضایت زناشویی و سبک حل تعارض اجتنابی، همبستگی معکوس وجود دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش هانسون و لندبلد (۲۰۰۶) آموزش مهارت‌های حل تعارض به زوجینی که در تعاملات زناشویی خود مشکل داشتند، سبب بهبود روابط زناشویی و کاهش تعارضات و افزایش سلامت روان در آنان شد. همچنین اعتمادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی همبستگی معناداری دارند. حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸) نیز ضمن پژوهشی بر

روی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض با سازگاری زناشویی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های حل تعارض با سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارند. در نهایت همان گونه که از نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین بر می‌آید رابطه سبک‌های حل تعارض سازنده و طلاق عاطفی رابطه معنادار است به این معنا که هر چه میزان استفاده افراد از سبک‌های حل تعارض سازنده بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی میان آنان کمتر است. بنابراین با استفاده از سبک تعارض سازنده با وجود تفاوت‌ها، جستجوی راه‌های جدید تعارض رفع می‌شود و مسلماً باعث کاهش طلاق عاطفی زوجین می‌گردد. اما در شرایطی که دلزدگی زناشویی که نتیجه آن ایجاد خستگی مزمن و از پا افتادن جسمی و عاطفی و روانی می‌باشد به وجود می‌آید، می‌تواند به مرور باعث کاهش استفاده از سبک‌های سازنده شده و همین امر موجب افزایش بروز طلاق عاطفی می‌گردد (افخمی پوستچی و علی دوستی، ۱۴۰۱).

پس در نهایت در خصوص نقش سبک‌های حل تعارض می‌توان گفت: به کارگیری سبک‌های سازنده برای تعارضات زناشویی می‌تواند دلزدگی زناشویی را در زوجین کاهش دهد (علی بکیان و افشاری‌نیا، ۱۳۹۹)، و این خود می‌تواند بر کاهش سطح طلاق عاطفی در زوجین تأثیرگذار باشد، که در پژوهش حاضر نیز این رابطه تأیید شد و زنانی که از سبک حل تعارض سازنده استفاده می‌کردند دلزدگی زناشویی کمتری را گزارش کرده و نمره طلاق عاطفی نیز در آنها پایین‌تر بود.

تحقیق حاضر در زمان شیوع بیماری کووید-۱۹ انجام شده است. به دلیل شرایط خاص از جمله قرنطینه، تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت حضوری غیرممکن بود. برای این منظور از پرسشنامه‌های آنلاین استفاده شد. و بهمین دلیل امکان سوگیری در ابزارهای خودگزارش دهی وجود داشت. افزون بر این، این پژوهش بر روی زنان متأهل شهر تهران صورت گرفته است و در تعمیم این نتایج به سایر شهرها و حتی افراد دیگر باید احتیاط لازم صورت گیرد، چرا که امکان دارد در شهرها و مناطق دیگر و حتی نمونه مردان متأهل نتایج متفاوتی حاصل شود. اجرای همزمان پرسشنامه‌ها و تعداد زیاد سوالات پرسشنامه‌ها امکان بروز خستگی را در آزمودنی به همراه دارد که این امر خود می‌تواند بر نحوه پاسخ‌دهی آزمون شوندگان تأثیر بگذارد. با توجه به محدودیت این پژوهش در ممکن نبودن کنترل تفاوت‌های فردی آزمودنی‌ها، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده تفاوت‌های فردی آزمودنی‌ها، خصوصاً تفاوت‌های مربوط به سطح اقتصادی-اجتماعی، محیط تربیتی و اجتماعی و متغیرهای دیگری که بر روی متغیرهای پژوهش از جمله طلاق عاطفی گروه نمونه موثر هستند، بررسی و کنترل شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر اینکه بین طلاق عاطفی و صفات سه‌گانه تاریک شخصیت با میانجیگری دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. پیشنهاد می‌شود آموزش‌هایی در جهت کنترل این ویژگی‌های منفی داده شود تا بدین طریق بتوان رابطه بین زوجین را ارتقا بخشیده و طلاق عاطفی را در آنها کاهش داد. و نیز با توجه به وجود رابطه بین طلاق عاطفی و سبک‌های حل تعارض مثبت با میانجیگری دلزدگی زناشویی در پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود زوجین را در یادگیری سبک‌های حل تعارض مثبت یاری داده تا هنگام بروز اختلافاتی در روابط زناشویی‌شان از این سبک‌ها به طور مؤثر استفاده کنند، این امر خود می‌تواند دلزدگی زناشویی را در زوجین کاهش داده و به تبع آن در کاهش طلاق عاطفی بین آنها نیز مؤثر خواهد بود. در راستای نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود مشاوران مشغول به فعالیت در حوزه مشاوره خانواده و مشاوره ازدواج در

صورت تشخیص مشکلات روانشناختی چون صفات منفی شخصیت در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره راهکارهایی در جهت کاهش مشکلاتی که می‌تواند این ویژگی‌ها برای افراد به بار آورد به آنها ارائه دهند. این امر می‌تواند به آنها در کنترل ویژگی‌های منفی ناشی از این صفات کمک کرده و به تبع آنها در کاهش تعارضات بین زوجین نیز مؤثر می‌باشد که این امر در کاهش طلاق عاطفی در زوجین نیز تأثیر دارد.

### موازین اخلاقی

برای رعایت اصول اخلاقی، پیش از اجرای پژوهش اهداف پژوهش، داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش، داشتن حق انصراف از ادامه همکاری در تکمیل پرسشنامه‌ها و محرمانه بودن اطلاعات جمع‌آوری شده به تمامی شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد. پژوهش حاضر با شناسه اخلاق به شماره IR.IAU.CTB.REC.1400.056 از واحد تهران مرکزی بوده و مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در رشته روان‌شناسی عمومی است.

### سپاسگزاری

بدین‌وسیله از همه افرادی که در انجام این پژوهش نویسندگان را یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

### مشارکت نویسندگان

نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، ویراستاری و نگارش گزارش نهایی تحقیق نقش داشت.

### تعارض منافع

هیچ گونه تعارض مالی یا منافع در پژوهش حاضر وجود ندارد. *پژوهشگاه مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی*

### منابع

- آزادی فرد، صدیقه. (۱۳۹۳). رابطه‌ی دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی در پرستاران شهر خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- اعتمادی، عذرا، جابری، سمیه، جزایری، رضوان السادات، و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۱۵(۱): ۶۳-۷۴
- افخمی پوستچی، مینا، و علی دوستی، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش تعدیل‌گر سبک‌های حل تعارض در رابطه تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی. *مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*، ۲(۴): ۱-۱۸.



- اکبری، ابراهیم، عظیمی، زینب، طالبی، سعیده و فهیمی، صمد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *تنظیم هیجان و مولفه‌های آن. روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۹۲-۹۷: (۲)۱۴.
- بشرپور، سجاد، فریور، مهران و عبادی، متینه. (۱۳۹۹). مدل یابی علی طلاق عاطفی در زنان بر اساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت نفس جنسی. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده. پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)*، ۳۷-۵۸: (۱)۹.
- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۴). صفات شخصیت: نظریه و آزمون، تهران: انتشارات ساوالان.
- بولتون، ر. (۱۳۸۱). روانشناسی روابط انسانی. ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران: انتشارات رشد.
- بیرامی، منصور، فهیمی، صمد، اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *اصول بهداشت روانی*، ۷۷-۶۴: (۵۳)۱۴.
- پاییز، آ. (۱۳۹۴). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه فاطمه شاداب. تهران: انتشارات ققنوس. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۶).
- پورمحسنی کلوری، فرشته، ظهری، نگار، عطادخت، اکبر و مولایی، مهری (۱۳۹۸). نقش ابعاد تاریک شخصیت، تمایز یافتگی و نقش‌های جنسیتی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی. *روان‌شناسی خانواده*، ۵۶-۴۳: (۲)۶.
- ثمری، محمد و نخعی، نوذر (۲۰۱۸). ویژگی‌های روان‌سنجی دو پرسشنامه سنجش طلاق عاطفی در بافت ایرانی. *مجله پزشکی خانواده*، ۱۱-۳۷: (۲)۵.
- جلیل باباپور، خیرالدین. (۱۳۸۵). بررسی شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۲۷-۴۶: (۴)۱.
- جلیل باباپور، خیرالدین، نظری، محمدعلی و رشیدزاده، لیلیا. (۱۳۹۰). اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی. *فصلنامه ی پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۲۴: (۲)۶: ۸-۲۵.
- حسینی نسب، سید داوود، بدری، رحیم و قائمیان اسکویی، آسان. (۱۳۸۸). رابطه ی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۵۷-۸۷: (۲)۱.
- حق نسب، شیما و پورفرخ، مینا (۱۳۹۹). رابطه ابعاد مثلث تاریک شخصیت و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی. *مجله رویش روان‌شناسی*، ۲۱۵-۲۲۴: (۱۲)۹.
- خسروی، جهانبخش، مرادی، امید، احمدیان، حمزه و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۸). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی (مطالعه موردی، شهرستان قصر شیرین). *فصلنامه پژوهشی مطالعات جمعیتی*، ۱۸۵-۲۱۰: (۱۰)۲.
- دیباچی فروشانی، فاطمه سادات، امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۱۱۱-۸۷: (۳)۳.

- رزاقی الوندی، ابراهیم (۱۳۹۰). نقش ذهن آگاهی، باورهای غیر منطقی و سبک‌های حل تعارض بین فردی در رضایت زناشویی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تبریز.
- رشیدی، فرنگیس، منیرپور، نادر و دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۴۰۰). مدل طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۵(۳): ۱۵۰-۱۳۷.
- رزوانی، حورالعین، و صائمی، حسن. (۱۳۹۸). همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروزگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آژادشهر. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۸(۲): ۳۰-۲۳.
- ساداتی، سیداحسان، مهرابی زاده هنرمند، مهناز، و سودانی، منصور. (۱۳۹۳). رابطه علی تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱(۲): ۵۵-۶۸.
- سموری قاینی، الهام. (۱۴۰۱). پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با توجه به متغیر میانجی خودکارآمدی جنسیتی در زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی، دانشکده علوم انسانی مرکز پیام نور زرین شهر، دانشگاه پیام نور اصفهان.
- شفیعی، زهرا، و قمرانی، امیر. (۱۳۹۶). نقش شخصیت تاریک و شکفتگی در دلزدگی زناشویی زوجین. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۸(۲۹): ۹۴-۷۷.
- شیوندی، کامران، مسلم آبادی، مجتبی و فرشاد، محمدرضا. (۱۳۹۵). پیش بینی فرسودگی شغلی بر مبنای تعارض زناشویی و خود متمایز سازی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۷(۲۷): ۶۶-۵۱.
- صفرزاده چماچایی، محمدحسن. (۱۴۰۰). رابطه سبک‌های ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت عاطفی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی احرار.
- علی بکیان، علیرضا، افشاری نیا، کریم (۱۳۹۸). برازش مدل نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان متاهل در شهر کرمانشاه. *روش‌ها و مدل‌های روان شناختی*، ۱۰(۴): ۲۴۶-۲۲۵.
- فرامرزی، زینب، جعفری نیا، غلامرضا و پاسالارزاده، حبیب. (۱۳۹۹). تعیین رابطه سرمایه اجتماعی و رسانه‌های نوین ارتباط اجتماعی با تعارضات زناشویی در شهر بوشهر در سال ۱۳۹۸. *مجله سلامت جامعه*، ۱۱(۱): ۴۹-۴۱.
- قبادی، سمانه، و گودرزی، محمود. (۱۴۰۲). اثر بخشی آموزش زوج درمانی با مدل EIS بر تعارضات زناشویی و دلزدگی زناشویی در زنان ناباور در دوران قرنطینه ناشی از بیماری کووید - ۱۹. *فصلنامه خانواده درمانی کاربردی*، ۲(۵ پیاپی ۹): ۹۳-۷۴.
- قمرانی، امیر، صمدی، مریم، تقی نژاد، محدثه، و شمسی عبدالحسین. (۱۳۹۴). شاخص‌های روانشناسی مقیاس شخصیت تاریک در دانشجویان. *فصلنامه علمی روشها و مدل‌های روانشناختی*، ۶(۲۰): ۷۳-۸۶.
- قوامی، رضوان، محمدی فاضل، مینا، علیاری، زهرا و بیرق‌دار، شهناز. (۱۴۰۲). نقش دلزدگی زناشویی و نارضایتی جنسی در شکست عشقی در زنان با طلاق عاطفی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۱): ۲۳۷-۲۲۱.
- کریمی، پروانه، کریمی، جهانگیر و دهقان، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با فرسودگی زناشویی کارکنان متاهل. *زن و جامعه*، ۵(۴): ۷۰-۵۳.

- گاتمن، جان. (۱۳۸۷). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه ارمغان جزایری، ارمغان. تهران انتشارات بعثت. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، (۱۹۹۶).
- مقیمی، هما، شریفی، طیبه، لطیفی، زهره و احمدی، رضا. (۱۴۰۲). مقایسه اثر بخشی درمان گروهی غنی سازی روابط زناشویی بخشودگی بر تمایل به جبران زنان درگیر طلاق عاطفی شهر اصفهان. خانواده درمانی کاربردی، ۴(۱)، ۱۰۱-۸۲.
- میرز، لارنس اس.، گامست، گلن و گارینو، جی. (۱۳۹۵). پژوهش چند متغیری کاربردی (طرح و تفسیر). مترجمان پاشا شریفی، حسن، فرزاد، ولی الله، رضاخانی، سیمین دخت، حسن آبادی، حمیدرضا، ایزانلو، بلال و حبیبی، مجتبی. تهران: انتشارات رشد. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، (۲۰۰۶).
- نادری، فرح و آزاد منش، پونه. (۱۳۹۱) مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد. یافته‌های نو در روان شناسی، ۷(۲۲): ۹۷-۱۱۲.
- نجات دارابی، هادی، یاراحمدی، جلال و فعال، فهیمه. (۱۳۹۵). بررسی دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی و ارتباط آن با ورزش و فعالیت جسمانی، پنجمین کنفرانس ملی علوم کاربردی در ورزش، علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.
- نریمانی، محمد، رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز (۱۴۰۰). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی. روان شناسی خانواده، ۵(۲۷): ۲۷-۳۸.
- نکوئی، زهرا. (۱۳۹۹). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
- یزدانبخش، کامران، کریمی، ستار، مولایی، علی، و بهرام زاده، ماکوان. (۱۳۹۱). رابطه ی اختلال شخصیت خودشیفته و سواس فکری- عملی با رضایت زناشویی در دبیران شهر کرمانشاه، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

## References

- Afkhami Poostchi, M., & Alidosti, F. (2022). The moderating role of conflict resolution to marital conflicts and emotional divorce. *Iranian Islamic studies of the family*, 2 (4): 1-18. (In Persian)
- Akbari, E., Azimi, Z., Talebi, S., & Fahimi, S. (2015) Prediction of Couples' emotional divorce Based on Early Maladaptive schemas and emotion regulation's Component. *Clinical Psychology and Personality*, 14(2): 92-97. (In Persian)
- Alibakiyan, A., & Afsharineya, K. (2020). Evaluating model of mediating marital boredom role in the relationship between self-differentiation conflict resolution styles and marital expectations in predicting marital adjustment in married men and women in Kermanshah, *Journal of psychological methods and models*, 10(4): 225-246. (In Persian)
- Atan, A., & Bulus, M. (2019). Aile İletişim Becerileri psikoegitim programını Eslerin Evliki Doyumuna Etkisil the Effect of Family Communication Skills Psycho-Educational program on couples' Marital Satisfaction. *Elementary Education Online*, 18(1): 226-240.
- Azadifard, S. (2014). The Relationship sexual knowledge and attitude, relationship beliefs and styles of conflict resolution with emotional divorce in nurses Khorramabad of city. Master's thesis. Department of Psychology. *Faculty of social Sciences Razi University*. (In Persian)

- Basharpoor, S., Farivar, M., & Ebadi, M. (2020). The casual modeling of affective divorce in women based on dark personality traits: with mediating role of sexual self-esteem. *Women and Society Quarterly*, 9 (1): 37-58. (In Persian)
- Basharpoor, S. (2015). *Personality traits: Theory and Testing*, Tehran. Savalan Publication. (In Persian)
- Bayrami, M., Fahimi, S., Akbari, E., & Amiri Pichakolaei, A. (2012). Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 1(53): 64-77. (In Persian)
- Bravo, I. M., & White Lumpkin, P. (2010). The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *The American Journal of Family Therapy*, 38(5): 421-432.
- Busby, D. M., & Holman, T. B. (2009). Perceived match or mismatch on the Gottman conflict styles: Associations with relationship outcome variables. *Family process*, 48(4): 454-531.
- Bulton, R. (2002). *Psychology of human relations*. Translator: Sohrabi, H.R. Roshd Publication.
- Campbell, W. K., & Baumeister, R. F. (2006). Narcissistic personality disorder. In *Practitioner's guide to evidence-based psychotherapy* (pp. 423-431). Springer US.
- Carton, H., & Egan, V. (2017). The dark triad and intimate partner violence. *Personality and Individual Differences*, 105: 84-88.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4): 354-362.
- Dibaj Froshany, F. S., Emamipour, S., & Mahmodi, GH. (2009). The relationship between attachment styles and conflict resolution strategies on women's conflict management method, *Andishe va Raftar*, 3(3):87-111. (In Persian)
- Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15 (10): 1433-1439.
- Etemadi, O., Jaberi, S., Jazayeri, R., & Ahmadi, S.A. (2014). Investigation of structural relationship between communication skills and communication patterns and conflict resolution styles with marital intimacy in Isfahanian women. *Women and Society Quarterly*, 5 (1): 63-74. (In Persian)
- Faramarzi, Z., Jafarinaia, GH., & Pasalarzadeh, H. (2020). Determining the relationship between social capital and new social communication media with marital conflicts in Bushehr city in 2019. *Journal of health and society*, 14(1):41-49. (In Persian)
- Fallesen, P. (2021). Decline in rate of divorce and separation fillings in Denmark in 2020 compared with previous years. <http://doi.org/10.1177/23780231211009991>.
- Foster, J. D., Shrira, I., & Campbell, W. K. (2006). Theoretical models of narcissism, sexuality, and relationship commitment. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(3): 367-386.
- Fox, J., & Rooney, M. C. (2015). The Dark Triad and trait self – objectification as predictors of men's use and self – presentation behaviors on social networking sites. *Personality and Individual Difference*, 76: 161-165.
- George, F. R., & Short, D. (2018). The Cognitive Neurosciences of Narcissism. *Journal of Brain, Behavior and Cognitive Sciences*, 1 (1): 1-9.
- Gobadi, S., & Goudarzi, M. (2023). The effectiveness of EIS couple therapy training on marital conflict and marital boredom in infertile women during quarantine due to COVID-19, *Journal of Applied Family Therapy*, 2(5): 74-93. (In Persian)

- Ghomrani, A., Sanadi, M., Taghinejad, M., & Shamsi, A. (2015). The Study of the Validity and Reliability of the dark personality scale in students, *Journal of psychological methods and models*, 6(20): 73-86. (In Persian)
- Gottman, J. M. (1994). *Why marriage succeed or fail: What you can learn from the break through research to make your marriage last*. New York: Simon & Schuster.
- Gottman, J., M. (2008). *Success or failure in marriage*. Translator Jazayeri, A. Besat publisher Tehran.
- Haghnasab, SH., & Pourfarokh, M. (2021). Relationship between dark triad traits of personality and attachment styles with marital boredom, *journal of Rooyesh-e Ravanshenasi*, 9(12):215-224. (In Persian)
- Hansen, B., Solem, S., & Himle, J. A. (2011). The role of early maladaptive Schemas in Predicting exposure and response prevention outcome for obsessive- Compulsive disorder. *Behavior research and therapy*, 49(11): 781-788.
- He, Q., Wang, Y., Xing, Y., & Yu, Y. (2018). Dark Personality, interpersonal rejection, and marital stability of Chinese couples: AN actor – partner interdependence mediation model. *Personality & Individual Differences*, 134: 232-238.
- Henning, M. (2003). Evaluation of Conflict Resolution Questionnaire. Master Thesis, Auckland University of Technology.
- Horan, S. M., Guinn, T. D., & Banghart, S. (2015). Understanding relationships among the dark triad personality profile and romantic partners' conflict communication. *Communication Quarterly*, 63(2): 156-170.
- Hosseini Nasab, D., Badri, Rahim., & Ghaemian Oskoei, A. (2009). An investigation in to the relationship between personality characteristics and interpersonal conflict solving styles with marital adjustment of the married students at Tabriz Islamic Azad University, 1(2)57-87. (In Persian)
- Inancsi, T. Lang, A. & Bereczkei, T. (2016). A darker shade of love: Machiavellianism and positive assortative mating based on romantic ideals. *oooo'' rrrr Ill of Psychology*, 12(1): 137-152.
- Isanejad, O., Alipour, E., Rostami, M., & Tajmiri, M. (2021). The Effect of Halford Couple Relationship Education (CRE) on the Spouse Preservation Behaviors and primary Marital Relationship. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 3(3), 45-54. (In Persian)
- Jalil Babapour, Kh., Nazari, M. A., & Rashidzadeh, L. (2011). The effect of Cognitive-Behavior therapy on Marital satisfaction and Intimacy of Chemical Patient Couples, *Quarterly Journal of New Researches in Psychology*, 6(24): 8-25. (In Persian)
- Jalil Babapour, Kh. (2006). Study of Relationship Between Communicational Conflict Resolution Styles and Psychological Well-being Among University Student, *Quarterly in Psychology*, 1(4):27-46. (In Persian)
- Jonason, P. K., Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: A concise measure of the dark triad. *Psychological Assessment*, 22(2): 420-432.
- Kaiser, R. B., LeBreton, J. M., & Hogan, J. (2015). The dark side of personality and extreme leader behavior. *Applied Psychology*, 64(1): 55 -92.
- Kanter, J. B., Proulx, C. M., & Monk, J. K. (2019). Accountingfor Divorce in Marital Reacarch: An Application to Growth Mixture Modeling. *Journal of Marriage and Family*, 81(2), 520-530. Issues, 33(3): 341-368.
- Karairmak, O., Duran, N. O. (2008). Gender differences in attachment styles regarding conflict handing behaviors among Turkish late adolescents. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 30(4): 220-234.

- Karimi, P., Karami, G., & Dehghan, F. (2014). Relationship between attachment Styles and Married employee's marital boredom, *Journal of psychological methods and models*, 5(4): 53-70. (In Persian)
- Keller, L., & Allemand, M. (2020). Personality and divorce. Encyclopedia of personality and individual difference, 3608-3613.
- Khosravi, J., Moradi, O., Ahmadian, H., & Yoosefi, N. (2021). The Casual Model of emotional divorce tendency based in couple's communication pattern with the mediation of marital affection, *Women and Society Quarterly*, 2(10): 185-210. (In Persian)
- Koladich, S. J., & Atkinson, B. E. (2016). The dark triad and relationship preferences: A replication and extension. *Personality and individual Differences*, 94: 253-255.
- Lavner, J. A., Lamkin, J., Miller, J. D., Campbell, W. K., & Karney, B. R. (2016). Narcissism and newlaywed marriage: Partner characteristics and marital trajectories. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 7(2): 169-179.
- Meyers, L. s., Gamst, G., & Garino, A. G. (2006). *Applied multivariate research: design and interpretation*, Translators: Pasha Sharifi, H., Farzad, V. A., Rezakhani, S., Hasn Abadi, H. R., Izanloo, B., & Habibi, M. (2016). Roshd Publication.
- Moghimi, H., Sharifi, T., Latifi, Z., & Ahmadi, R., (2023). Comparison of the effectiveness of group therapy for enriching marital relationships and forgiveness on the desire to compensate women involved in emotional divorce in Isfahan. *Journal of Applied Family Therapy*, 4(1): 82-101. (In Persian)
- Muraru, A. A., & Turliuc, M. N. (2012). Family-of- origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33: 90-94.
- Naderi, F., & Azadmanesh, P. (2012). Comparison of marital dissatisfaction, family function and intimacy of female students, *new discoveries in psychology*, 7(22):97-112. (In Persian)
- Narimani, M., Rahimi, S., & Sedaghat, M. (2021). Prediction of emotional divorce of couples based on family communication patterns and motivational structure, *Family psychology*, 5(27): 97-112. (In Persian)
- Nejat Darabi, H., Yar Ahmady, H., & Faal, F. (2016). Investigating marital boredom and emotional divorce and its relationship with exercise and physical activity, The 5<sup>th</sup> National Conferences in Sports, *Islam Azad University, Aliabad-e Katul*. (In Persian)
- Nekouei, Z. (2020). Investigate the relationship between early maladaptive schemas and conflict resolution styles with emotional divorce of couples referring to counseling centers in Ahvaz, Master thesis Payame Noor University of Khuzestan. (In Persian)
- Rashidi, F., Monirpour, N., & Dokanehi Fard, F. (2021). The Model of emotional divorce based on differentiation with the mediating Role of personality Structure and attachment styles. *Islamic life styles*, 5(2): 136-151(In Persian)
- Razzaghi Alvandi, E. (2011). The role of mindfulness irrational beliefs and interpersonal conflict resolution styles in couple marital satisfaction, *Mttt rr' tsss i iiii i University*. (In Persian)
- Panahi, M., Jamarani, S. K., Shahrababaki, M. E., & Rostami, M. (2017). Effectiveness of integrative behavioral couple therapy on reducing marital burnout and fear in couples of intimacy. *Journal of applied psychology*, 11(3), 43. (In Persian)
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality. Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of research in personality*, 36: 556-63.
- Pen, W., Zhang, Q., Teo, T.S.H., & Lim, V.K.G. (2018). The dark triad and Knowledge hiding. *International Journal of Information Management*, 42: 36-48.

- Pines, A. M., & Nunes, R. (2003). The relationship between Career and couple burnout: implications for career and couple counseling. *Journal of Employment Counseling*, 40, 50-64.
- Pines, A. (1996). What should we do so that the love of a dream does not end in boredom? Translator Shadab, F. Tehran. *Ghoghnos Publication*.
- Pourmohseni Kolouri, F., Zohri, N., Atadokht, A., & Mowlaie, M. (2020). The role of dark personality dimensions, self-differentiation and gender roles in predicting marital boredom. *Journal of Family Psychology*, 6(2):43-56. (In Persian)
- Qavami, R., Mohammadi Fazel, M., Aliyari, Z., & Beiraqdar, SH. (2023). The role of marital boredom and sexual dissatisfaction in love failure in couples with emotional divorce. *Journal of Applied Family Therapy*, 4(1): 2023. (In Persian)
- Rahim, M. A. (1983). A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of management journal*, 26(2): 368-376.
- Rahim, M. A., & Magner, N. R. (1994). Convergent and discriminant validity of the Rahim Organizational Conflict Inventory-II. *Psychological Reports*, 74: 35-38.
- Rahim, M. A., & Magner, N. R. (1995). Confirmatory factor analysis of the styles of handling interpersonal conflict: first-order factor model and its invariance across groups. *Journal of Applied Psychology*, 80: 122-132.
- Rezvani, H., & Saemi, H. (2019). Correlation between Self - differentiation and Neuroticism with emotional divorce in married Students of Azad Shahr, Azad University, *journal of Health Promotion management*, 8(2): 23-30. (In Persian)
- Sadati, S.E., Mehrbizadeh Honarmand, M., & Soodani, M. (2014). The causal relationship of differentiation neuroticism and forgiveness whit marital boredom through mediation of marital conflict, *Journal of Family Psychology*, 1(2):55-68. (In Persian)
- Safarzadeh Chamachee, M. H. (2021). The relationship between communication styles and conflict resolution styles with couples motional intimacy, *Master thesis of Ahrar Institute of Higher Education*. (In Persian)
- Samari, M., & Nakhaee, N. (2018). Psychometrics characteristics of two questionnaires for measuring emotional divorce in Iranian context. *Journal of Family Medicine*, 5(2):11-37. (In Persian)
- Samoori Ghaeni, E. (2022). Predicting emotional divorce based on attachment styles and conflict resolution styles with the mediation of gender self-efficacy in women, *Master's thesis of Payam Noor Isfahan University*. (In Persian)
- Shafiee, Z., Ghomrani, A. (2017). The Role of Dark personality and Flourishing in Couples boredom *Women and Society Quarterly*, 8(29): 77-94. (In Persian)
- Shivandi, K., Moslemabadi, M., & Farshad, M. (2016). Predicting Job boredom based on marital conflicts and self-differentiation, *culture and Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 7(27): 51-66. (In Persian)
- Smoker, M. & March, F., (2017). Predicting Perpatration of Intimate Partner Cyberstalking: Gender and the Dark Tetrad. *Computer in Human Behavior*, 69: 1-28.
- Somohano, V. C. (2013) Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Sorenson, R. L. (1999). Conflict management strategies used by businesses. *Fam Bus Rev*, 12 (4): 325-39.
- Stevens, J. P. (2012). *Applied multivariate statistics for the social sciences*. Routledge.
- Van Gasse, D., & Mortelmanse, D. (2020). Reorganizing the Single - parent Family System: Exploring the Process Perspective on Divorce. *Family Relations*, 69(5): 1100-1112. Doi:10.1111/fare. 12432.

- Vincent, J.P., Wises, R. L., & Grey, R. (2006). A behavioral analysis of problem solving in distressed marriage and stranger dyads. *Behavior therapy*, 6(4): 475-487.
- Weiss, J. M. (2014). Marital Preparation, Experiences, and personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages.
- Weisskirch, R. S., & Delevi, R. (2013). Attachment style and conflict resolution skills predicting technology use in relationship dissolution. *Computers in Human Behavior*, 29(6): 2530-2534.
- Womic, J., Foltz, R. M., & King, L. A. (2019). Relesing the beast within? Authenticity, well-being, and the Dark Terad. *Personality and Individual Difference*, 137: 115-125.
- Uysal, A. N. (2016). Predicting relationship satisfaction: Dark triad personality traits, love attitudes, attachment dimensions, Master's thesis, Doguş Universitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- Yazdanbakhsh, K., Karimi, S., Moulai, A., & Bahramzadeh, M. (2012). The relationship between narcissistic personality disorder and practical obsession with marital satisfaction among teachers in Kermanshah, The first national conference of personality and modern life of Sanandaj Islamic Azad University. (In Persian)
- Yu Y, Di W, Jiang-Meng W, Yu-Chen W. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154: 1-14.

\*\*\*

## پرسشنامه طلاق عاطفی

ردیف	سوالات پرسشنامه طلاق عاطفی	بلی	خیر
۱	در این ازدواج بسیار بیشتر از آنچه پیش بینی می کردم احساس تنهایی می کنم		
۲	ما آنقدرها که آرزو داشتیم بهم نزدیک نیستیم		
۳	در این ازدواج احساس بیهودگی می کنم		
۴	انجام کارهای مشترک برایم خسته کننده است		
۵	حتی وقتی با هم هستیم احساس بی قراری و اندوه می کنم		
۶	بیشتر وقتها نمیدانم خود را چگونه سرگرم کنم		
۷	گاهی در این ازدواج احساس بی حوصلگی و بیقراری میکنم		
۸	در حسرت کسی هستم که در کنار او احساس نزدیکی کنم		
۹	حس تنهایی بسیار آزارم میدهد		
۱۰	انگار ازدواجم چیزی کم دارد		
۱۱	کاش اطرافیانم بیشتر به من زنگ میزدند		
۱۲	اغلب دلم میخواهد کسی را داشتهم که در کنارش باشم		
۱۳	احساس نمیکنم بخشی از زندگی کسی هستم		
۱۴	احساس نمیکنم به کسی تعلق دارم		
۱۵	اغلب به لحاظ عاطفی احساس انزوا میکنم		
۱۶	در این ازدواج احساس طرد شدگی میکنم		
۱۷	کسی را ندارم که به او پناه ببرم		
۱۸	اغلب در رابطه با همسرم احساس میکنم فراموش شده ام		
۱۹	هیچ کس مرا نمیشناسد		
۲۰	هیچ کس مرا درک نمیکند		
۲۱	اغلب هیچ کس را ندارم که با او حرف بزنم		



۲۲	اغلب نیاز شدیدی به داشتن یک هم صحبت احساس میکنم
۲۳	احساس میکنم در این ازدواج کاملا کنار گذاشته شده ام
۲۴	احساس جدا بودن میکنم (با همسر)


\*\*\*

## پرسشنامه سه گانه تاریک شخصیت

کاملا		مخالقم		کاملا مخالفم		کاملا موافقم	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
سوالات							
۱- دوست دارم برای رسیدن به اهدافم، دیگران را تحت نفوذ خود درآورم.							
۲- دوست دارم برای رسیدن به اهدافم، از فریب یا دروغ استفاده کنم.							
۳- دوست دارم برای رسیدن به اهدافم، از دیگران سواستفاده کنم.							
۴- دوست دارم برای رسیدن به اهدافم، از دیگران سواستفاده کنم.							
۵- دوست دارم (در اشتباهاتم) احساس پشیمانی نداشته باشم.							
۶- دوست دارم بیش از حد نگران اخلاقیات یا رعایت اصول اخلاقی اعمالم نباشم.							
۷- دوست دارم نسبت به دیگران سنگدل و بی عاطفه باشم.							
۸- دوست دارم نسبت به دیگران عیب جو و بدبین باشم.							
۹- دوست دارم از دیگران بخواهم مرا تحسین کنند.							
۱۰- دوست دارم از دیگران بخواهم که به من توجه کنند.							
۱۱- دوست دارم به دنبال شأن و مقام اجتماعی باشم.							
۱۲- دوست دارم از دیگران انتظار داشته باشم که توجه ویژه‌ای به من کنند.							

\*\*\*

## عبارات پرسشنامه سبک‌های حل تعارض

کاملا مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کاملا موافقم
عبارات پرسشنامه سبک‌های حل تعارض				
				

۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	تلاش می‌کنم برای یافتن راه حل قابل قبول برای هر دوی ما، مساله را با همسرم مورد بررسی قرار دهیم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	تلاش می‌کنم عقایدم را با آن دسته از عقاید همسرم که منجر به یک تصمیم مشترک می‌شود ترکیب کنم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	من با همسرم برای رسیدن به تصمیم‌هایی که برای هر دوی ما رضایت بخش باشد همکاری می‌کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	سعی می‌کنم با همسر همکاری کنم تا به راه حلی برسیم که انتظارات هر دوی ما را برآورده کند.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	برای حل مسائلمان به تبادل دقیق اطلاعات با همسرم می‌پردازم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	برای آنکه مسائل مورد نظر به بهترین وجه حل شود، سعی می‌کنم تمام مسائل مربوطه را صریحا بیان کنم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	تلاش می‌کنم برای فهم صحیح مشکل با همسرم همکاری کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	تلاش می‌کنم از تبادلات کلامی ناخوشایند با همسرم جلوگیری کنم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	کعکولا از بحث‌های آشکار و علنی درباره ی تفاوت‌هایم با همسرم اجتناب می‌کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	کوشش می‌کنم از قرار گرفتن در یک موقعیت دشوار اجتناب کنم و تلاش می‌کنم تا مشکل را پیش خود نگه دارم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	تلاش می‌کنم از مخالفت با همسرم اجتناب کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	کوشش می‌کنم به منظور اجتناب از احساسات ناخوشایند عدم توافق بین خودم و همسرم را پیش خود نگه دارم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	تلاش می‌کنم از روبرویی (رو در رو شدن) با همسرم اجتناب کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	از اقتدار خودم استفاده می‌کنم تا تصمیمی گرفته شود که به نفع من باشد.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	گاهی اوقات برای برنده شدن در یک وضعیت رقابتی (با همسرم) از قدرتم استفاده می‌کنم.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	از مهارت خود استفاده می‌کنم تا تصمیمی گرفته شود که دلخواه من باشد.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	کاملا	از نفوذم استفاده می‌کنم تا عقایدم پذیرفته شوند.
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	عموما در پیگیری موضوعات جزئی جدی هستم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالقم	کاملا	مخالقم	
موافقم		ندارم		مخالقم	کاملا	

کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	معمولا یک موضع میانه را برای شکستن بن بست (مشکلات) پیشنهاد می‌کنم.
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	با همسر مذاکره می‌کنم به طوری که بتوان به یک مصالحه دست یافت.
کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	از روش انعطاف (بده بستن) استفاده می‌کنم به طوری که بتوان به یک مصالحه دست یافت.
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	تلاش می‌کنم یک روش متعادل را برای رفع مشکل پیدا کنم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	به طور کلی تلاش می‌کنم تا نیازهای همسر را برآورده کنم.
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	معمولا خودم را ملزم می‌دانم به دنبال تغییراتی که در رفتار همسرم به وجود می‌آید از آن پیروی کنم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	من اغلب با پیشنهادات همسر همراه (به خوبی کنار می‌آیم) می‌شوم.
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	معمولا با خواسته‌های همسر سازگار می‌شوم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	تلاش می‌کنم انتظارات همسر را برآورده کنم.
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	تسلیم آرزوهای همسر می‌شوم.
کاملا	موافقم	نظری	مخالفم	کاملا	
موافقم		ندارم	مخالفم	کاملا	

\*\*\*

### مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز

سوالات	هرگز	یکبار بمدت طولانی	بندرت	گاهی	معمولا	غالبا	خیر
۱- خستگی							
۲- افسردگی							
۳- روز خوبی داشتن							
۴- از نظر جسمی از پا افتادن							
۵- از نظر عاطفی از پا افتادن							
۶- خوشحال بودن							
۷- تهی و خالی شدن (درد تمام بدن)							
۸- لبریز شدن کاسه صبر							
۹- ناراحتی							
۱۰- خستگی و تباهی و مستعد بیماری بودن							
۱۱- به دام افتادن							
۱۲- بی ارزش بودن							

- ۱۳- بی چیزی بودن، چیزی برای بخشیدن نداشتن
- ۱۴- گرفتار مشکل بودن
- ۱۵- درباره همسر احساس خشم و سرخوردگی کردن
- ۱۶- ضعف و اختلالات خواب
- ۱۷- ناامیدی
- ۱۸- طرد شدن از طرف همسر
- ۱۹- خوش بین بودن
- ۲۰- پرانرژی بودن
- ۲۱- اضطراب



## The structural model of emotional divorce based on the dark triad traits of personality and conflict resolution styles with the mediation of marital boredom

Marjan. Sadegh Khani<sup>1</sup>, Susan. Emamipour\*<sup>2</sup>, & Malek. Mirhashemi<sup>3</sup>

### Abstract

**Aim:** The present study was conducted with the aim of modeling the structural equations of emotional divorce based on dark personality traits and conflict resolution styles with the mediation of marital dissatisfaction. **Method:** The research method was descriptive correlation type based on structural equations. The statistical population of this research consisted of all married women in the age group of 25-50 years of Tehran Azad University, Yadgar Imam (RA), Abol Fattouh Razi (Mothers) and North Tehran units in the first half of 2021, which was available online through the sampling method. (due to the spread of the corona virus) were chosen. The research tools were Gottman's Emotional Divorce Questionnaire (1994), Dark Triangle of Personality Johnson and Webster (2010), Rahim's Conflict Resolution Styles (1983) and Pines Marital Boredom (1996). Analyzes were done using SPSS and AMOS software. **Result:** The results of structural equation modeling showed that the assumed research model fits the experimental data (RMSEA=0.063). A significant relationship was observed between Machiavellian trait and emotional divorce ( $\beta=0.149$ ) and between constructive style ( $\beta=0.441$ ) and non-constructive style ( $\beta=0.264$ ) with emotional divorce. The coefficient of the indirect path of marital boredom was significant in the relationship between narcissistic trait ( $P = 0.007$ ) and constructive conflict resolution styles ( $P = 0.043$ ) with the dependent variable of emotional divorce, but the mediating role of marital boredom in the relationship between non-constructive was not confirmed by emotional divorce ( $P = 0.536$ ). **Conclusion:** Dark traits and constructive conflict resolution styles, in addition to having a direct effect on emotional divorce, can indirectly affect marital boredom.

**Keywords:** Conflict resolution styles, dark personality traits, emotional divorce, marital boredom.

1. PhD Student in Counseling, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. \*Corresponding author: Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: emamipurd@yahoo.com

3. Department of Psychology, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran